



## بررسی و ارزیابی مشارکت اجتماعی شهروندان با استفاده از تکنیک TOPSIS

(مطالعه موردی: نواحی منطقه ۱۵ شهر تهران)

صدرالله گودرزی پور

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی تهران

[Sadra.goodarzi@gmail.com](mailto:Sadra.goodarzi@gmail.com)

### چکیده:

امروزه استفاده از راهبردهای مشارکتی و رویکرد برنامه ریزی از پایین به بالا در فرآیند برنامه ریزی و مدیریت توسعه شهری، مورد اجماع نظر برنامه ریزان و مدیران شهری قرار گرفته است. هدف از این مقاله بررسی و ارزیابی مشارکت شهروندان با استفاده از مدل TOPSIS در سطح نواحی منطقه ۱۵ شهر تهران می باشد. روش تحقیق از نوع پیمایشی بوده و داده های این پژوهش با استفاده از پرسشنامه و به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای به دست آمده است. محدوده مورد مطالعه، نواحی ۷ گانه منطقه ۱۵ شهر تهران است. برای بررسی و ارزیابی مشارکت اجتماعی در سطح نواحی مذکور ۸ شاخص با مدل TOPSIS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج به دست آمده از مدل TOPSIS، رتبه بندی نواحی را در سطح منطقه ۱۵ نشان میدهد که ناحیه ۲ در رتبه ۱ و به ترتیب نواحی ۴، ۳، ۶، ۵، ۱ در رتبه های بعدی از نظر میزان مشارکت اجتماعی شهروندان قرار دارند و در نهایت ناحیه ۸ رتبه آخر را در بین نواحی از نظر میزان مشارکت اجتماعی شهروندان به خود اختصاص داده است.

**کلید کلیدی:** مشارکت اجتماعی، مدل TOPSIS، منطقه پانزده

**مقدمه:** یکی از نگرانی های برنامه ریزی شهری مفهوم پایداری است. پایداری بوسیله کمیسیون جهانی محیط و توسعه ۲۱ اینگونه تعریف شده است که توسعه پایدار توسعه ای است که احتیاجات نسل حاضر را بدون به خطر انداختن نسل آینده برای رسیدن به احتیاجات و آرزوهایشان تامین کند (سرگل کریمی، ۱۳۸۸، ص ۸۲-۸۳). توسعه پایدار و توسعه پایدار شهری طی دهه اخیر به تدریج به پارادایم (الگوواره) نوین و مسلطی در ادبیات نظری و علمی رایج در باب توسعه و برنامه ریزی شهری تبدیل شده است. این پارادایم اگر چه ناظر به برداشت ها و تفسیرهای گوناگون می باشد اما در مجموع بر "پایداری" و استمرار توسعه برای همگان و نسلهای آینده طی زمان و بر همه جانبه نگرایی ابعاد پیچیده اقتصادی، اجتماعی زیست محیطی فرآیند توسعه در سطح یک کشور یا شهر تأکید دارد. (رهنمایی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۷-۱۷۸)

از نظر مای و دیگران (۱۹۹۶) آینده نگری (برابری بین نسلی بدون حذف آن برای نسل بعد)، عدالت اجتماعی (عدالت درون نسلی یا مراقبت از نیازمندان و فقرای امروز)، مشارکت عمومی (افراد باید فرصتی برای مشارکت در تصمیم گیری هایی که بر آنها و در روند توسعه پایدار تاثیر می گذارد، داشته باشند)، محیط (حفظ و حمایت محیطی) اصول بنیادی توسعه پایدار به شمار می آیند (سرگل کریمی، ۱۳۸۸، ص ۸۳). همچنین بر اساس دپارتمان توسعه بین الملل، بنیانهای پایداری اجتماعی در موارد زیر بنا نهاده شده است:



برابری اجتماعی: که عبارت است از: فراهم شدن فرصتهای برابر و حقوق بشر برای تمام مردم چه در حال و چه برای نسل های آینده.

انسجام اجتماعی: که عبارت است از ایجاد حس همدلی، همکاری و تشریک مساعی بین گروه های مختلف مردم. امنیت: که عبارت است از فراهم شدن امنیت در امرار معاش و در برابر مخاطرات مشارکت: که عبارت است از فراهم شدن فرصت برای تک تک افراد جامعه تا بتوانند از این طریق هر شخص کیفیت زندگی خویش را بهبود بخشد. (نوابخش ۱۳۹۲: ۱۸۲-۱۸۳) در واقع مشارکت فرایندی است که از طریق آن مردم بر روی تصمیمات و منابعی که آنها را متأثر میسازد، اثر گذاشته و در آنها سهیم میشوند (Rietbergen-McCracken, 1998, p.4) تأثیر اساسی مشارکت در فرایند برنامه ریزی و توسعه پایدار شهری به دو صورت نمایان می شود: نخست این که مشارکت یک ابزار لازم برای دستیابی به شناخت و تصمیم گیری درست محسوب می شود. دوم این که مشارکت تنها راه بهره گیری از امکانات طبیعی و انسانی شهر و شهروندان در جهت طرح های توسعه پایدار شهری است. (آنامرادنژاد، ۱۳۹۲، ص ۱۲۸). بنابراین مردم، منابع و مشارکت سه رکن اساسی توسعه پایدار انسانی را تشکیل می دهند؛ با این تفاوت که مشارکت در مقایسه با دو رکن دیگر نقش ساختاری داشته و دو عامل مردم و منابع در چهارچوب آن به فعالیت میپردازند. به عبارت دیگر مشارکت به دلیل اینکه هم هدف توسعه و هم وسیله ی رسیدن به آن است، ضمن آنکه نقش ترکیب کننده دو عامل دیگر را دارد، برآیند آن دو نیز به شمار می آید. به همین لحاظ مشارکت عنصری کلیدی در فرایند توسعه ی پایدار تلقی می شود و از آن به عنوان حلقه ی گمشده فرایند توسعه یاد می شود. (فتحی ۱۳۹۳، ص ۱۴۹) به طوریکه وقتی گروه های اجتماعی فعالانه در فرایند برنامه ریزی و اجرا دخیل می شوند، احتمال می رود تا برنامه با نیازها، سلیقه ها و انتظارات شهروندان و ذینفعان هماهنگ تر گردد و آنها را در کسب مزایای بوم شناختی و اجتماعی کمک نماید. (سجادی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۶-۱۴۷)

مقاله حاضر ضمن مروری گذرا بر ادبیات نظری مشارکت اجتماعی و با به کارگیری ابعاد مختلف مشارکت اجتماعی با استفاده از تکنیک TOPSIS، به اولویت بندی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در سطح نواحی منطقه ۱۵ کلانشهر تهران می پردازد.

## مبانی نظری

مدل TOPSIS به طور کلی برای رتبه بندی یک یا چند گزینه موجود در برابر چند معیار مورد استفاده قرار می گیرد. مدل TOPSIS توسط هونگ و یون در سال ۱۹۸۱ پیشنهاد شد. این مدل یکی از بهترین مدل های تصمیم گیری چند شاخصه است و از آن استفاده های زیادی می شود. این مدل در درجه اول، به وسیله تکنیک های تصمیم گیری مسائل را از نظر کیفی به روش Pugh و از نظر کمی به روش SID بهینه می کند. ایده اصلی این روش این است که گزینه های انتخاب شده طراحی باید کوتاه ترین فاصله را از راه حل ایده آل مثبت و بیشترین فاصله را از ایده آل منفی (از نظر هندسی) داشته باشند. (بزی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰-۱۰۹) در سال ۱۹۹۴ لیا جونگ جو و همکارانش از جمله اولین کسانی بودند که این روش را به کار گرفتند. (Yong-joa Lia-Ting-Yun liu, ching-la Ihwangnrshg, 1994, p.484) جمشیدی و همکارانش (سال ۱۳۹۲) به بررسی و اولویت بندی محلات شهر بوکان از نظر مشارکت مردمی با استفاده از مدل TOPSIS پرداخته اند. (جمشیدی، ۱۳۹۲، ص ۱) در پژوهشی دیگر تحت عنوان «ارزیابی نقش و جایگاه زنان در مدیریت شهری با استفاده از تکنیک TOPSIS بزی و سرگلزایی (۱۳۹۱) به اولویت بندی نقش زنان در سازمانهای اداری مرتبط با مدیریت شهری مبادرت نمودند (بزی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷-۱۰۸) همینطور خمر و همکارانشان (۱۳۹۰) در مقاله ای به ارزیابی توزیع فضایی سرمایه اجتماعی در سطح مناطق شهری قوچان با استفاده از تکنیک TOPSIS پرداختند. (خمر و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۹۴) پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در نواحی شهری را با رویکرد توسعه پایدار و عدالت اجتماعی با استفاده از مدل های TOPSIS و VICOR در

مورد شهر زنجان نیز توسط احد نژاد و همکارانشان (۱۳۹۱) مورد ارزیابی قرار گرفته است. (احد نژاد و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۶۹) همچنین رتبه بندی و انتخاب بهترین محدوده مکانی - فضایی جهت احداث پارکینگ های طبقاتی در منطقه ۶ تهران با استفاده از تکنیک TOPSIS توسط مشکینی و همکارانشان (۱۳۹۰) مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱) کیومرثی (۱۳۹۰) نیز محلات شهری را در شهر آبا ده بر اساس میزان بهره مندی از امکانات و خدمات شهری با بهره گیری از تکنیک TOPSIS سطح بندی نمود.

### مشارکت اجتماعی

مشارکت در معنای لغوی آن، «سهمی در چیزی غیر از خود داشتن» ، با هم شریک شدن ، همکاری کردن و درگیر شدن در یک فعالیت است. (موسایی و شیانی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۸) گروهی مشارکت را وسیله ای برای رسیدن به هدف و رشد آگاهیهای اجتماعی و تشویق پیشگامی در فعالیتهای محلی به شمار می آورند و هدف آن است که ساختار تصمیم گیری محلی باید مداخله شهروندان را در موضوعاتی که مستقیماً با نیازهای آنان مرتبط است، تشویق و تسهیل کند (peris & et al, 2011) و گروهی دیگر مشارکت را فرایندی مؤثر می دانند که از طریق آن، مردم، اشخاص یا گروههای سازمان یافته میتوانند به تبادل اطلاعات، بیان عقیده و ارائه نظر بپردازند و از توانایی لازم برای تصمیم سازی برخوردار شوند (finger, 2002, p.101). بنابراین مشارکت دارای یک معنی واحد نیست، بلکه در بردارنده عامل مرتبطی است که ممکن است در جریان تصمیم گیری یک سازمان و با لحاظ گوناگونی راهها و روشها تعریف گردد. سه عامل اصلی این مفهوم عبارتند از «تأثیر پذیری»، «عکس العمل» و «تقسیم اطلاعات». از تعریف مشارکت می توان مفاهیمی چون درگیری، تلاش، تأثیر پذیری، عکس العمل، تقسیم اطلاعات، موقعیت یابی حل مشکل، مشارکت در تصمیم گیری و نظایر آن را استنباط نمود. (نوابخش و ارجمندسیاه پوش، ۱۳۸۸، ص ۱۱۱-۱۱۲) در باب سبب شناسی (اتیولوژی) مشارکت باید گفت که ، هیچ تئوری کلی که همه یا اغلب متغیرهای مربوط به مشارکت را در بر داشته باشد، مطرح نشده است. به نظر می رسد مشارکت، پدیده پیچیده ای است که به تعداد بسیار زیادی از متغیرهای دارای وزن های نسبی متفاوت وابسته است. (هاشمیان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۷۶-۱۷۵) اصولاً مفهوم مشارکت دربرگیرنده این موضوع اساسی است که افراد در کل جامعه با تأثیرگذاری مستقیم و غیر مستقیم در امور شهری و سایر موضوعات مرتبط، از منافع آن بهره میگیرند. شهروندان با مشارکت در امور شهری به شبکه ای از روابطی وصل میگردند که در آینده میتواند نقش حمایتی را برای آنان بازی نماید. (Saunders & et al, 2003, p. 167) توسعه مشارکتی در دهه 1950 بروز یافت و کارگزاران اجتماعی ای که در اثر نادیده انگاشتن ذی نفعان اصلی پروژه ها و شکست الگوهای نخستین توسعه، از دفاع از راهبرد بالا به پایین توسعه، نا امید شده بودند، آن را به کار گرفتند (Botchway, 2001, p.135) در واقع مشارکت شهروندی در سال 1950 ، موضوع دامنه داری در حوزه برنامه ریزی بوده، برنامه ریزان شهری تلاش نمودند در تصمیم گیری های شهری از نظرات شهروندان مطلع شوند و با همکاری آنان برنامه های خود را عملی سازند. برنامه ریزان شهری معتقدند که مشارکت، باعث میشود شهروندان نسبت به تصمیم گیری های صورت گرفته در شهر مسؤلیت پذیر گردند؛ یعنی حمایت عمومی از تصمیم گیری های اتخاذی از سوی مسؤلان، باعث می شود متولیان امر به راحتی برنامه های خود را عملی نمایند (عباس زاده، ۱۳۸۷، ص ۷۲) در ایران حدود دو دهه است که مباحث توسعه پایدار در همه زمینه های علوم مطرح شده که در ابتدا بیشتر زمینه های زیست محیطی و اقتصادی آن پیگیری می شد، اما در سالهای اخیر حرکتی به موازات آن مطرح گردید که بخصوص در زمینه های اجتماعی - سیاسی حضور مردم به صورت جدی تری مورد توجه قرار گرفته است. استفاده از این دیدگاه در دو بعد اجتماعی و کالبدی محلات سبب تقویت ارتباط میان آنها و استفاده از امکانات بالقوه هر کدام در حل مشکلات می گردد. ایجاد ساختار فضایی منسجم و پیوسته به همراه فضاهای باز عمومی به عنوان بستری برای تعاملات و ارتباطات اجتماعی قوی می تواند زمینه ساز بروز رفتارهایی مشارکتی در میان ساکنین یک محدوده گردد. (خدائی و هودسنی، ۱۳۸۹، ص ۵) بنابراین آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که توسعه پایدار اجتماعی توسعه ای است که: ۱- نیازهای

اساسی به غذا، سرپناه، شغل، درآمد، شرایط زندگی و فعالیت را تأمین کند. ۲- عدالت خواه باشد و این اطمینان را بدهد که منافع توسعه کاملاً در سراسر جامعه به صورت مساوی توزیع می شود. ۳- رفاه فیزیکی، ذهنی و اجتماعی جامعه را ارتقا داده یا حداقل از بین نبرد. ۴- آموزش، خلاقیت و توسعه توان انسانی را برای کل جامعه ترویج نماید. ۵- میراث فرهنگی و زیستی را حفظ کرده و احساس ارتباط با تاریخ و محیط زیست را تقویت کند. ۶- مردم سالارانه باشد و دخالت شهروندان را ترویج دهد. ۷- شرایط زندگی را بهتر کرده و بین طراحی شکل محل های عمومی شهر با رفاه اجتماعی کالبدی و شور و هیجان ساکنان شهر ارتباط برقرار نماید. (ناصر المعمار و سلیمی، ۱۳۹۲، ص ۳) بنابراین در فرایند مشارکت باید بر ترکیب کارشناسی فنی، تصمیم سازی سلاقی و ارزشهای عقلانی و تبادل متقابل استدالات و اندیشه ها تکیه کرد. (Reen, 2006, p.34) در واقع مشارکت اجتماعی دربرگیرنده انواع کنشهای فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم گیری در باره امور عمومی است و به آن دسته از فعالیتهای ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند. (عبداله پورو همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۵۹) به بیان دیگر، یک حرکت نظام دار است که از افراد، گروه ها و جامعه سر می زند و هدف خاصی را دنبال می کند. این حرکت از شرایط و امکانات بهره گیری می کند یا در جریان خود با موانعی مواجه می شود. (موسایی و شیانی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۸). از نظر پرویز پیران، مشارکت اجتماعی به دلایل گوناگون تاریخی و فرهنگی دارای تناقضی ریشه دار است. این تناقض نشان می دهد که ایرانیان در عرصه های غیر رسمی و خصوصی سخت مشارکت جو بوده اند، ولی در عرصه های رسمی، مشارکت جو نیستند. این نکته معنای فنی و تخصصی مشارکت اجتماعی را با خصایص داوطلبانه بودن، هدفمند بودن، آزادی انتخاب و ... پیچیده می کند که این پیچیدگی بیانگر وجود جنبه ها و الزاماتی است که در مشارکت شهروندی در حوزه های فضایی، اجتماعی، فرهنگی باید شناسایی شوند. اهم این جنبه ها عبارتند از:

۱. جنبه فضایی - کالبدی شهر: تعداد، تراکم، ترکیب و طرز پراکندگی جمعیت، فضای شهر و اصول تمایز قسمتهای مختلف شهر و تأثیر آن بر زندگی اجتماعی افراد و گروهها جنبه اجتماعی شهر: سازمانهای اجتماعی پیچیده از تجمع افراد مشتمل بر گروههای خانواده، طبقات اجتماعی، کارگاهها و کارخانه ها، گروههای نژادی و انجمن ها و ...
۲. جنبه فرهنگی شهر: سبک زندگی، شیوه تفکر، نگرشها و بروز احساسات و عواطف بر حسب مناطق مختلف و ...

### الگوهای مشارکت

مشارکت شهروندی دارای ابعاد گوناگون است و هر یک از این ابعاد جنبه ای از مشارکت را توصیف و تبیین میکنند. (شیانی و الهاشم، ۱۳۹۱، ص ۲۱۶-۲۱۷) سنجش دقیق مشارکت و تمایلات مشارکتی شهروندان در اداره امور شهری علاوه بر تعاریف مفهومی آن، نیازمند ارائه الگوهای گوناگون است. علوی تبار (۱۳۷۹) الگوهای مشارکت را بر حسب سه معیار نوع مشارکت، زمینه مشارکت و سازماندهی مشارکت طبقه بندی کرده است. بر حسب نوع مشارکتی که افراد در یک الگو دارند و در واقع بر حسب بخشی از انجام فعالیت که در آن سهیم می شوند، میتوان سه الگوی مشارکت در تصمیم گیری و مدیریت، مشارکت در تأمین مالی هزینه انجام طرحها و مشارکت در تأمین نیروی انسانی لازم برای انجام یک فعالیت خاص را از یکدیگر متمایز ساخت. درباره الگوهای مبتنی بر زمینه مشارکت باید گفت که به دلیل گستردگی فعالیتهایی که توسط مدیریت در شهرها انجام میگردد، زمینه های مختلفی از مشارکت را به مانند فعالیت های عمرانی (ایجاد خیابان و کوچه، ایجاد میدان ها، ایجاد پل و غیره)، امور محیط زیست (ایجاد فضای سبز و زیباسازی شهر و غیره)، امور تأمین ایمنی شهر (ایجاد ایستگاههای آتش نشانی، رفع خطر از بناها و غیره)، فعالیتهای نظارتی (نظارت بر حسن انجام قوانین و مقررات مربوط به زندگی شهری)، خدمات شهری (تنظیف معابر و دفع زباله، ارائه خدمات مربوط به غسلخانه و گورستان و غیره) و امور رفاه اجتماعی (تأسیس فرهنگسراها، تأسیس کتابخانه، ایجاد خانه های محله و غیره) میتوان در شهرها شناسایی کرد. بر حسب نوع سازماندهی، میتوان دو نوع

سازماندهی الگوهای مشارکت را از یکدیگر تمایز ساخت. در نوع نخست که اساساً تشکلهای خودجوش و خودانگیخته جامعه را شامل میشود؛ سازماندهی بدون توجه به دستاوردهای دانش جدید مدیریت صورت گرفته و مبتنی بر تجربیات شخصی و سنن اجتماعی است. اما در نوع دوم که تشکلهای رسمی یا نسبتاً رسمی و برانگیخته را شامل می شود سازماندهی بر مبنای دستاوردهای فنون مدیریتی جدید و با هدف حداکثر کارایی صورت می پذیرد. (عبداله پورو همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۵۹) مشارکت به عنوان یک فرآیند اجتماعی در قالب دو گرایش عام و خاص قابل بررسی است که گرایش عام را مشارکت سنتی و گرایش خاص را مشارکت مدرن می نامند. از جدیدترین اسلوب ها و زمینه های مشارکتی، مشارکت شهروندان در مدیریت شهری برای اداره شهرداری؛ این مشارکت یکی از الزامات زندگی اجتماعی مدرن است و هنگامی تحقق می یابد که شهرنشینان از شرایط فردگرایی و انزوای اجتماعی خارج و از طریق حقوق شهروندی از حالت فردیت به طریق شهروندگرایی و جمعیت تغییر هویت دهند. (حسین زاده، ۱۳۹۱، ص ۶۰-۶۱) مشارکت شهروندان در سطوح مختلف و درجات متفاوت تحقق مییابد، به عبارت دیگر بین وارد شدن در مشارکت تشریفاتی و ساختگی و مشارکتی که نشانگر قدرت واقعی تأثیر در نتایج و فرایند برنامه ریزی هاست، تفاوت وجود دارد. این نکته بسیار مهم، باید در تمامی برنامه های مدیریت شهری و حکمرانی شهری، مورد توجه متخصصان برنامه ریزی و مدیریت و سیاستگذاران قرار گیرد (Arnersterins, 1969, p.21) پل (paul) در سال 1988 چهار سطح را برای مشارکت در اجتماعات محلی شناسایی کرد: سطح اول: تسهیم اطلاعات (پایین ترین سطح)، سطح دوم: مشاوره، سطح سوم: تصمیم گیری، سطح چهارم: اقدام به عمل (بالا ترین سطح)

یکی از مدل های مشارکت که به نحوی شفاف، فرآیند کلی مشارکت پذیری شهروندان را بیان کرده است مدل سطح بندی شده ارنشتاین می باشد:

جدول ۱. سطوح مشارکت بر اساس نظریه ارنشتاین

۸. کنترل شهروندی	۸. Citizen Control	Citizen power (کنترل قدرت) درجات قدرت شهروندی
۷. عمده قدرت در دست شهروندان (شوراها، قدرت در نهادها)	۷. Delegated Power	
۶. چانه زنی و رسیدن به توافق بین قدرتمندان	۶. Partnership	Tokenism (مشارکت صوری) درجات پذیرش گروهی اندک
۵. مشاوره دادن به بی قدرتان	5. Placation	
۴. شنیدن نظرات بی قدرتان	4. Consultation	Non-participation (عدم مشارکت)
۳. اطلاع دهی	۳. Informing	
۲. درمان	۲. Therapy	1. Manipulation
۱. اغوا کردن، تقلب	1. Manipulation	

پایین ترین سطح نردبان ارنشتاین هیچ قدرتی برای شهروندان وجود ندارد. به عبارت دیگر عدم مشارکت در دو رده، خود را نشان می دهد که وی آنها را دستکاری و درمان می نامد. به نظر ارنشتاین دستکاری به این معناست که بعضی سازمان های دولتی، شکل های ساختگی از مشارکت را تدارک دیده اند که هدف واقعی آنها، آموزش شهروندان برای قبول کارهایی است که از قبل تکلیفش روشن شده است. در پله بعدی شکل دیگری از عدم مشارکت معرفی می شود که درمان نام گرفته است. این نوع مشارکت هم غیرصادقانه و هم خودخواهانه است. در این جا هدف پیدا کردن راه چاره ای برای رد کردن دیدگاه ها و رفتارهایی است که سازمان مربوطه خودش با آن موافق نیست، اما نمی تواند این مسأله را آشکارا بیان کند؛ لذا در زیر پوشش نظرخواهی از شهروندان، آن دیدگاه ها را رد می کند. پله های دیگر این نردبان اطلاع رسانی و مشاوره است، این مرحله به



معنی آگاه کردن شهروندان از حقایق موجود در برنامه های دولت، حقوق و مسئولیت های آنان و راهکارهای موجود است . اطلاع رسانی، مشاوره و کسب نظر شهروندان، در صورتی که واقعی باشد و جریان اطلاعات یکسویه نباشد، می تواند مفید واقع شود.

دریسل معتقد است، مشارکت بر سه اعتقاد ذیل مبتنی است:

- توسعه، در وهله اول و پیش از همه باید به نفع ساکنان محلی باشد؛
- مردمی که در محدوده مورد برنامه ریزی زندگی می کنند، دقیق ترین اطلاعات را درباره آن محدوده و موضوعات مرتبط با آن دارند؛
- مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در روند تصمیم گیری دارند.

دریسل اشکال مختلف مشارکت را در دو دسته کلی تر " مشارکت " و " عدم مشارکت " جای می دهد. (شریفیان ثانی، 1380، ص ۴۳-۴۴) در مجموع وجه مشترک تعاریف ارائه شده عنصر آگاهانه و ارادی بودن مشارکت در کنار تصمیم سازی و کنترل افراد بر امورات مربوط به خویش از طریق مشارکت می باشد. بسترهای مشارکت به بیان توسعه ای مشارکت، به عنوان «یک فرایند اجتماعی، عام، جامع، چند جانبی، چند بعدی و چند فرهنگی سعی دارد همه گروه های مردم را در همه مراحل توسعه شرکت دهد». (کائوتری، ۱۳۷۹، ص ۳۵)

### روش تحقیق

تحقیق حاضر از یک طرف مطالعه ای موردی از نوع توصیفی \_ تحلیلی است و از طرف دیگر تحقیقی میدانی می باشد. چارچوب نظری تحقیق پیش رو، از روش اسنادی و مراجعه به کتب، نشریات و سایت های علمی بهره برده است. بخش اصلی یا مطالعه موردی از روش پیمایش استفاده شده است. در این تحقیق از تکنیک پرسشنامه استفاده گردیده که متناسب با هدف تحقیق و یافته های مبانی نظری، سؤالات تدوین شد؛ نحوه پاسخگویی به سؤالات، مراجعه مستقیم به شیوه رودرو بوده است. در تحقیق حاضر، جامعه آماری، نواحی هفت گانه مطلقه ۱۵ شهر تهران می باشند تعداد ساکنان این نواحی حدود ۶۶۴۸۵۱ نفر برآورد شده است و در پیمایش حاضر، نمونه گیری به طور تصادفی انتخاب گردید. در این بررسی از فرمول کوکران با دقت نود و پنج درصد استفاده شده که حجم نمونه برابر با ۳۶۸ به دست آمده است. براساس تعداد جمعیت هر ناحیه، به همان نسبت نیز پرسشنامه بین افراد تقسیم شده است. در جدول شماره (۲)، تعداد پرسشنامه های توزیعی براساس جمعیت هر ناحیه محاسبه شده اند.

جدول ۲. تعداد پرسشنامه های توزیع شده در سطح نواحی مورد مطالعه

ناحیه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸	مجموع
تعداد جمعیت	125507	106269	85996	111013	98232	110834	27000	۶۶۴۸۵۱
تعداد پرسشنامه	۶۸	۵۸	۴۷	۶۰	۵۳	۶۰	۱۵	۳۶۸

### محدوده و قلمرو پژوهش

منطقه ۱۵ شهرداری تهران یکی از مناطق بیست و دو گانه شهرداری تهران است که در گوشه جنوب شرقی شهر واقع شده است. از هشت ناحیه موجود منطقه، شش ناحیه در محدوده قانونی شهر تهران و یک ناحیه در حریم استحقاظی شهر قرار دارند. منطقه ۱۵ در حال حاضر دارای ۲۱ محله بنا به تقسیمات شهرداری است.



شکل ۱. محلات منطقه ۱۵ کلانشهر تهران

### یافته های تحقیق

تبیین تکنیک TOPSIS در اولویت بندی نواحی منطقه ۱۵ شهر تهران از نظر مشارکت اجتماعی

### مراحل اجرای الگوریتم TOPSIS

در این پژوهش ۸ شاخص جهت ارزیابی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در نواحی ۷ گانه منطقه ۱۵ شهر تهران مورد مطالعه قرار گرفتند. بر اساس این مقیاس ۱ کمترین میزان و ۹ بیشترین میزان را نشان میدهد. در ادامه امتیازهای کیفی به کمی تبدیل گردید.

جدول ۳. ماتریس کمی شده و بی مقیاس تصمیم‌گیری مشارکت اجتماعی نواحی ۷ گانه منطقه ۱۵

شاخصها	۱ ناحیه ۱	۲ ناحیه ۲	۳ ناحیه ۳	۴ ناحیه ۴	۵ ناحیه ۵	۶ ناحیه ۶	۷ ناحیه ۷
مشارکت در طرحهای مشارکتی (مثل استقبال از بهار)	۴	۷	۸	۵	۶	۶	۵
مشارکت در حفظ فضای سبز	۳	۵	۶	۷	۶	۴	۲
مشارکت در انتخابات شورایاری محله	۴	۵	۶	۷	۵	۵	۳
مشارکت در پرداخت عوارض شهری	۳	۵	۶	۷	۵	۵	۲
مشارکت در تصمیم‌گیری های محله	۴	۷	۸	۵	۶	۶	۴
مشارکت در پاکسازی محله	۱	۵	۶	۷	۵	۵	۲
مشارکت در اداره امور محله	۲	۵	۶	۷	۵	۵	۱
مشارکت در اطلاع‌رسانی مشکلات محله به مدیران	۳	۷	۸	۵	۶	۶	۴

#### الف) بی مقیاس سازی

بعد از کمی نمودن شاخصها، از بی مقیاس سازی جهت قابل مقایسه شدن مقیاس های مختلف اندازه گیری استفاده می شود. نتیجه این قسمت در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

$$n_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m (a_{ij})^2}}$$

جدول ۴. بی مقیاس سازی با استفاده از نورم

C8	C7	C6	C5	C4	C3	C2	C1	
۰/۲۰۸	۰/۱۶۶	۰/۱۱۹	۰/۲۹۰	۰/۲۵۵	۰/۲۵۶	۰/۲۳۴	۰/۲۷۸	ناحیه ۱
۰/۴۸۴	۰/۴۹۷	۰/۵۹۳	۰/۵۰۸	۰/۴۲۶	۰/۵۱۲	۰/۶۲۵	۰/۴۸۷	ناحیه ۲
۰/۴۱۵	۰/۴۹۷	۰/۴۷۵	۰/۳۶۳	۰/۳۴۱	۰/۳۸۴	۰/۳۹۰	۰/۴۱۷	ناحیه ۳



۰/۴۱۵	۰/۴۹۷	۰/۴۷۵	۰/۳۶۳	۰/۴۲۶	۰/۴۴۸	۰/۴۶۹	۰/۴۱۷	ناحیه ۴
۰/۴۱۵	۰/۳۳۱	۰/۲۳۷	۰/۳۶۳	۰/۴۲۶	۰/۳۸۴	۰/۲۳۴	۰/۳۴۸	ناحیه ۵
۰/۳۴۶	۰/۳۳۱	۰/۲۳۷	۰/۳۶۳	۰/۴۲۶	۰/۳۲۰	۰/۳۱۲	۰/۳۴۸	ناحیه ۶
۰/۲۰۸	۰/۰۸۳	۰/۲۳۷	۰/۲۹۰	۰/۲۵۵	۰/۱۹۲	۰/۱۵۶	۰/۲۷۸	ناحیه ۸

برای به دست آوردن ماتریس بی مقیاس سازی موزون ، اوزان شاخص ها باید محاسبه گردند. برای این کار در ابتدا به وسیله تکنیک آنتروپی شانون ، اوزان شاخص ها مورد محاسبه قرار می گیرند. این اوزان به صورت زیر به دست می آیند.

$$P_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sum_{i=1}^n a_{ij}} \dots\dots\dots P_{ij} \text{ محاسبه } 1$$

۲- محاسبه مقدار آنتروپی  $E_j$

در ابتدا ضریب آنتروپی از طریق رابطه  $k = \frac{1}{Ln(m)}$  محاسبه می شود ، در این فرمول  $K$  به عنوان مقدار ثابت و  $m$  تعداد مناطق یا گزینه های مورد مطالعه می باشد:

$$k = \frac{1}{Ln(m)} \dots\dots\dots k = \frac{1}{Ln(m)} = 0/048$$

پس از به دست آوردن ضریب آنتروپی ( $k$ ) آنتروپی شاخص  $J$  ام به صورت زیر محاسبه می گردد :

$$E_j = -k \cdot \sum_{i=1}^n (P_{ij} \cdot Ln f_j)$$



۳ - محاسبه عدم اطمینان  $d_j$ :

C8	C7	C6	C5	C4	C3	C2	C1	
۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۰۵	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۱۰	ناحیه ۱
۰/۱۸	۰/۲۰	۰/۲۴	۰/۱۸	۰/۱۵	۰/۱۹	۰/۲۵	۰/۱۸	ناحیه ۲
۰/۱۵	۰/۲۰	۰/۱۹	۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۱۶	۰/۱۵	ناحیه ۳
۰/۱۵	۰/۲۰	۰/۱۹	۰/۱۳	۰/۱۵	۰/۱۶	۰/۱۹	۰/۱۵	ناحیه ۴
۰/۱۵	۰/۱۳	۰/۱۰	۰/۱۳	۰/۱۵	۰/۱۴	۰/۰۹	۰/۱۳	ناحیه ۵
۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۱۰	۰/۱۳	۰/۱۵	۰/۱۱	۰/۱۳	۰/۱۳	ناحیه ۶
۰/۰۸	۰/۰۳	۰/۱۰	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۱۰	ناحیه ۸

$$d_j = 1 - E_j \dots\dots\dots d_j = 1 - 0.952 = 0.048$$

۴ - محاسبه اوزان  $w_j$ :

$$w_j = \frac{d_j}{\sum_{j=1}^n d_j} \dots\dots\dots w_j = \frac{0.048}{0.515} = 0.09$$

جدول شاخص اوزان

C8	C7	C6	C5	C4	C3	C2	C1	
۰/۹۶۲	۰/۸۹۴	۰/۹۲۸	۰/۹۷۱	۰/۹۳۷	۰/۹۳۷	۰/۹۰۴	۰/۹۵۲	<b>Ej</b>
۰/۰۳۸	۰/۱۰۶	۰/۰۷۲	۰/۰۲۹	۰/۰۶۳	۰/۰۶۳	۰/۰۹۶	۰/۰۴۸	<b>dij</b>
۰/۰۷۴	۰/۲۰۶	۰/۱۴۰	۰/۰۵۶	۰/۱۲۲	۰/۱۲۲	۰/۱۸۶	۰/۰۹۳	<b>Wj</b>

با انجام مراحل فوق الذکر میتوان ماتریس بی مقیاس شده موزون را به دست آورد. بدین منظور، ماتریس بی مقیاس شده، در ماتریس مربعی  $(Wn * n)$  که عناصر اصلی آن اوزان شاخص ها و دیگر عناصر آن صفر می باشد، ضرب می شود. ماتریس به دست آمده، ماتریس بی مقیاس موزون نام دارد و با  $V$  نشان داده می شود. این عملیات در زیر آمده است

$$V = N \times Wn \times n$$

ماتریس بی مقیاس شده موزون  $V$

$$\left\{ \begin{matrix} \dots ۰۰۹۳ & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots \\ \vdots & \dots ۰۰۱۸۶ & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots \\ \vdots & \vdots & \dots ۰۰۱۲۲ & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots \\ \vdots & \vdots & \vdots & \dots ۰۰۱۲۲ & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots \\ \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \dots ۰۰۰۵۶ & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots \\ \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \dots ۰۰۱۴۰ & \vdots & \vdots & \vdots \\ \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \dots ۰۰۲۰۶ & \vdots & \vdots \\ \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \vdots & \dots ۰۰۰۷۴ & \vdots \end{matrix} \right\}$$

C8	C7	C6	C5	C4	C3	C2	C1	
۰/۰۱۵	۰/۰۳۴	۰/۰۱۷	۰/۰۱۶	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۰/۰۴۴	۰/۰۲۶	ناحیه ۱
۰/۰۳۶	۰/۱۰۲	۰/۰۸۳	۰/۰۲۸	۰/۰۵۲	۰/۰۶۲	۰/۱۱۶	۰/۰۴۵	ناحیه ۲
۰/۰۳۱	۰/۱۰۲	۰/۰۶۷	۰/۰۲۰	۰/۰۴۲	۰/۰۴۷	۰/۰۷۳	۰/۰۳۹	ناحیه ۳
۰/۰۳۱	۰/۱۰۲	۰/۰۶۷	۰/۰۲۰	۰/۰۵۲	۰/۰۵۵	۰/۰۸۷	۰/۰۳۹	ناحیه ۴

۰/۰۳۱	۰/۰۶۸	۰/۰۳۳	۰/۰۲۰	۰/۰۵۲	۰/۰۴۷	۰/۰۴۴	۰/۰۳۲	ناحیه ۵
۰/۰۲۶	۰/۰۶۸	۰/۰۳۳	۰/۰۲۰	۰/۰۵۲	۰/۰۳۹	۰/۰۵۸	۰/۰۳۲	ناحیه ۶
۰/۰۱۵	۰/۰۱۷	۰/۰۱۷	۰/۰۱۲	۰/۰۲۱	۰/۰۲۳	۰/۰۱۵	۰/۰۱۳	ناحیه ۷
۰/۰۱۵	۰/۰۱۷	۰/۰۳۳	۰/۰۱۶	۰/۰۳۱	۰/۰۲۳	۰/۰۲۹	۰/۰۲۶	ناحیه ۸

میزان فاصله هر گزینه تا ایده آل مثبت و منفی

برای به دست آوردن میزان فاصله هر گزینه از ایده آل مثبت و منفی، از رابطه زیر استفاده گردیده است

$$d_i^{\pm} = \sqrt{\sum_{j=1}^m (v_{ij} - v_j^{\pm})^2}$$

این مقادیر برای ماتریس فوق به صورت زیر محاسبه می شود، قابل ذکر است که در این بخش به لحاظ رعایت اختصار، از آوردن محاسبات خودداری و فقط به عنوان نمونه از هر کدام یکی از مراحل در ذیل بیان شده است:

$$\begin{aligned} d_i^+ &= \sqrt{(0.026 - 0.045)^2 + (0.044 - 0.116)^2 + (0.031 - 0.062)^2 + (0.031 - 0.052)^2} \\ &\quad + (0.016 - 0.028)^2 + (0.017 - 0.083)^2 + (0.034 - 0.102)^2 + (0.015 - 0.36)^2 \\ &= 0.128 \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} d_i^- &= \sqrt{(0.026 - 0.013)^2 + (0.044 - 0.015)^2 + (0.031 - 0.023)^2 + (0.031 - 0.021)^2 + (0.016} \\ &\quad - 0.012)^2 + (0.017 - 0.017)^2 + (0.034 - 0.017)^2 + (0.015 - 0.015)^2} = 0.038 \end{aligned}$$

در مدل topsis،  $d_i^+$  بردار ایده آل مثبت و  $d_i^-$  بردار ایده آل منفی می باشد. در این مدل R فاصله وضع موجود یا بردار وضع موجود است. مقدار R، یعنی فاصله وضع موجود از دو حالت ایده آل مثبت و منفی و از طریق فرمول  $CL_1 = \frac{d_i^-}{d_i^- + d_i^+}$  محاسبه میگردد که مقادیر به دست آمده بین صفر و یک  $0 < R < 1$  می باشند. هر چه مقدار R یعنی وضع

موجود به سمت صفر میل کند، نشان دهنده تمایل وضع موجود به سمت نامطلوب و برعکس هر چه R به سمت یک میل کند بیانگر تمایل وضع موجود به سمت مطلوب است. به عبارت دیگر هر گزینه ای که CL آن بزرگ تر باشد، به وضع مطلوب نزدیک تر است. با محاسبه مقادیر فوق در مدل مذکور، ایده آل مثبت و منفی در ارتباط با مشارکت اجتماعی شهروندان در سطح نواحی منطقه ۱۵ بدین صورت است:

بردار ایده آل مثبت	۰.۱۲۸	۰	۰.۰۵۱	۰.۰۳۶	۰.۰۹۷	۰.۰۸۹	۰.۱۶۱	۰.۱۴۲
بردار ایده آل منفی	۰.۰۳۸	۰.۱۶۱	۰.۱۲۳	۰.۱۳۴	۰.۰۷۷	۰.۰۸۰	۰	۰.۰۲۷

محاسبه میزان مشارکت اجتماعی در محدوده مورد مطالعه، از طریق فرمول زیر به دست می آید:

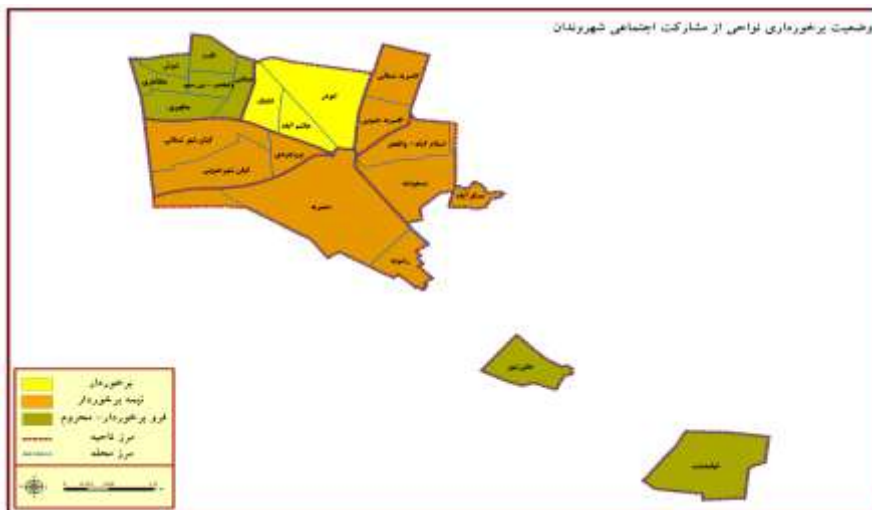
$$CL_1 = \frac{d_i^-}{d_i^- + d_i^+} \quad CL_1 = \frac{0.038}{0.038 + 0.128} = 0.229$$

ناحیه ۱	ناحیه ۲	ناحیه ۳	ناحیه ۴	ناحیه ۵	ناحیه ۶	ناحیه ۸
۰/۲۲۹	۱	۰/۷۰۷	۰/۷۸۸	۰/۴۴۳	۰/۴۷۳	۰/۱۶۰

همان گونه که نتایج نشان میدهند، میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در ناحیه ۲ یک است و بیانگر وضعیت مطلوب میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در این ناحیه است. این میزان در ناحیه ۴ و ۳ نیز حکایت از میزان قابل قبولی از مشارکت اجتماعی شهروندان دارد در حالیکه این مقدار در سایر نواحی به سمت صفر میل میکند. در این بین ناحیه ۷ بدترین وضعیت را داراست. با توجه به فرمول  $0 \leq R \leq 1$  نتایج حاصل گردیده در ذیل به وضوح بیان شده است:

جدول ۵. رتبه سطوح برخورداری در نواحی منطقه ۱۵ شهر تهران از شاخص های انتخابی

ناحیه	ضریب اولویت	میانگین ضریب اولویت	وضعیت برخورداری
۲	1	۱	برخوردار
۴	0/788	۰/۶۰۲	نیمه برخوردار
۳	0/707		نیمه برخوردار
۶	0/473		نیمه برخوردار
۵	0/443		نیمه برخوردار
۱	0/229	۰/۱۵۳	فرو برخوردار (محروم)
۸	0/16		فرو برخوردار (محروم)



شکل ۲. وضعیت برخورداری نواحی ۷ گانه منطقه ۱۵ از نظر مشارکت اجتماعی شهروندان

### بحث و نتیجه گیری :

بدیهی است با رشد شتابان شهرها و شهرنشینی در دهه های اخیر حکومت ها به تنهایی و بدون اتکا به شهروندان قادر به اداره امور جامعه نخواهند بود . به عبارت دیگر تنها بخشی از فعالیت های مرتبط با زندگی شهری توسط فرآیندها و روابط رسمی تعیین می گردد، در حالی که بسیاری از این فعالیت ها در تولید، مبادلات، تصمیم گیری و مواردی از این دست از طریق روابط غیر رسمی صورت می گیرد . در چنین شرایطی عدم حضور و دخالت شهروندان در جامعه مدنی و عدم همکاری با دولت زمینه را برای تشدید مسائل و مشکلات شهری فراهم خواهد کرد؛ از این رو، در چند دهه اخیر پارادایم جدیدی از مدیریت شهری، مشارکت را محور سیاست گذاری ها و برنامه های خود قرار داده است. در این پارادایم، نظام مدیریت شهری به تقویت حس اعتماد و همکاری میان مدیران شهری و شهروندان و حل مسائل و مشکلات شهری از طریق مشارکت می پردازد . در واقع، نقش انکارناپذیر مردم در حل مسائل و مشکلات جامعه شهری، موضوع مشارکت شهروندان را به ضرورتی آشکار در برنامه ریزی و مدیریت شهری تبدیل کرده است . مشارکت مردم که اکنون به عنوان یکی از ارکان اصلی فعالیت برنامه ریزی و مدیریت شهری شناخته می شود، در سطوح و درجات مختلف امکان پذیر است . در پایین ترین سطح، دخالت شهروندان در فرایند برنامه ریزی می تواند به گرفتن تصمیمات پایدارتر با اعتبار بیشتر و مبتنی بر نیازهای طیف وسیع تری از مردم منجر شود؛ و در بالاترین سطح، مشارکت مردمی می تواند سبب گسترش و تقویت مردم سالاری از طریق شیوه های مشورتی، مستقیم و صریح گردد . در زمان حاضر نگرانی اصلی برنامه ریزان شهری این است که با چه شیوه هایی می توان برنامه های مشارکتی را با موفقیت به انجام رسانید. مشارکت یکی از مفاهیم عمده و اصلی توسعه پایدار به شمار میرود، از این رو مدیران شهری همواره سعی کرده اند تا با جلب مشارکت مردمی به اهداف خود در زمینه مدیریت بهینه شهر به بهترین نحو ممکن نائل آیند. در پی اهمیت توجه به نقش مشارکت مردم در مدیریت شهرها، پژوهش حاضر به بررسی وضعیت مشارکت شهروندان در امور شهری در سطح نواحی منطقه ۱۵ پرداخته است . براساس یافته های تحلیلی حاصل از تحلیل مدل تصمیم گیری چند معیاره (TOPSIS) نشان میدهد که در میان نواحی شهری منطقه ۱۵ شهر تهران نواحی ۷ و ۸ و ۱ با ضریب اولویت ۰/۱۵۳ در پایین ترین سطح قرار دارد و نیاز به تقویت مشارکت شهروندان در این ناحیه بیشتر از نواحی دیگر احساس می شود. این در حالی است که نواحی ۵ و ۶ و ۳ و ۴ با ضریب اولویت ۰/۶۰۲ در دومین سطح از برخورداری قرار دارد . سطح یک ، ناحیه ۲ می باشد که با ضریب اولویت ۱ از لحاظ شاخصهای مورد بررسی ، بهترین وضعیت را در بین نواحی هشتگانه منطقه ۱۵ شهر تهران دارد.

### پیشنهادات

- ❖ ارزیابی سالانه از میزان مشارکت اجتماعی شهروندان و شناسایی موانع و مشکلات آن
- ❖ مساعدت رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی برای فرهنگ سازی و به ویژه اطلاع رسانی درباره ضرورت شرکت داوطلبانه شهروندان در امور شهری
- ❖ توزیع عادلانه درآمد و امکانات و خدمات در سطح نواحی ۸ گانه
- ❖ ایجاد شوراهای محلی در سطح محلات ۲۱ گانه منطقه ۱۵ و تشویق مردم جهت عضویت در این شوراها و افزایش میزان آگاهی آنها
- ❖ سودآور کردن مشارکت و تعبیه ابزارهای لازم برای جلب مشارکت مردم در امور شهر

❖ کاهش عوارض شهرداری برای شهروندان مشارکت جو و نمونه

منابع :

۱. احد نژاد، محسن ، زلفی؛ علی نوروزی ، محمد جواد؛ ( ۱۳۹۲). ارزیابی پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در نواحی شهری با رویکرد توسعه پایدار و عدالت اجتماعی با استفاده از مدل های vikor و topsis (مدل موردی شهر زنجان). *فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی* ، سال پنجم ، شماره ۲ ، صفحات ۱۸۳-۱۶۹.
۲. آنا مرادنژاد، رحیم بردی ؛ بوذری ، سیما ؛ حسینی دوست ، سودابه؛ ( ۱۳۹۲). نقش مشارکت مردمی در اقتصاد و مدیریت شهری (مطالعه موردی : شهر آمل). *فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری* ، شماره سوم ، صفحات ۱۳۸-۱۲۷.
۳. بزى ، خدارحم ؛ سرگلزایی ، صدیقه؛ (۱۳۹۱) . ارزیابی نقش و جایگاه زنان در مدیریت شهری با استفاده از تکنیک TOPSIS مطالعه موردی : زابل . *مجله علمی تخصصی برنامه ریزی فضایی* ، سال دوم ، شماره اول ، صفحات ۱۲۰-۱۰۷ .
۴. جمشیدی ، زهرا ؛ جمشیدی ، پروانه و همکاران(۱۳۹۲) . بررسی و ارزیابی مشارکت های مردمی در توسعه پایدار محله ای با استفاده از مدل TOPSIS (مطالعه موردی : شهر بوکان) . *همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری*، بوکان، شرکت سازه کویر.
۵. حسین زاده ، علی حسین ؛ فدائی ده چشمه ، حمید؛ (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی موثر در امور شهری(مطالعه موردی: شهر کرد). *فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری* ، سال دوم ، شماره پنجم ، صفحات ۸۲-۵۹.
۶. خدائی ، زهرا ؛ هودسنی ، هانیه ؛ (۱۳۸۹). مشارکت شهروندی در رویکرد توسعه پایدار اجتماعات محلی نمونه موردی : محله سید خندان. *اولین همایش شهروندی و مدیریت محله ای حقوق و تکالیف*، تهران، اداره کل مطالعات اجتماعی فرهنگی شهرداری تهران.
۷. خمر ، غلامعلی ؛ اسماعیل زاده کواکی ، علی ؛ براتپور ، علی؛ (۱۳۹۰). ارزیابی توزیع فضایی سرمایه اجتماعی در سطح مناطق شهری قوچان با استفاده از تکنیک TOPSIS و GIS مطالعه موردی : نواحی شهر قوچان . *فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک* ، صفحات ۱۱۲-۹۵.
۸. رهنمایی، محمد تقی ؛ پور موسوی، سید موسی؛(۱۳۸۵). بررسی ناپایداری های امنیتی کلان شهر تهران بر اساس شاخص های توسعه پایدار شهری . *فصلنامه پژوهش های جغرافیایی* ، شماره ۵۷ ، صفحات ۱۹۳-۱۷۷.
۹. سجادی ، ژیلا ؛ پور موسوی ، سید موسی ؛ اسکندر پور ، مجید؛ (۱۳۹۰). بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری با تاکید بر مشارکت مردمی (مطالعه موردی : محله دولاب تهران) . *فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط* ، شماره ۱۴ ، صفحات ۱۶۴-۱۴۶.
۱۰. شریفیان ثانی، مریم؛ (۱۳۸۰). مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری. *فصلنامه مدیریت شهری*، شماره ۸ ، سال دوم، صفحات ۴۲-۵۵
۱۱. شیانی، ملیحه؛ رضوی الهاشم، بهراد؛ دلپسند ، کامل؛(۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری تهران. *فصلنامه مطالعات شهری* ، سال دوم، شماره چهارم، صفحات ۲۴۰-۲۱۵ .
۱۲. عباس زاده، محمد ؛ (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهر (مطالعه موردی :شهر اصفهان) . *استادان راهنما: دکتر رسول ربانی و دکتر وحید قاسمی، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان.*

۱۳. عبدالله پور، جمال؛ مختار پور، حسن؛ مختار پور، رجبعلی؛ (۱۳۹۱). مشارکت پذیری شهروندان تهرانی در حوزه وظایف شهرداری (مطالعه موردی: شهروندان منطقه ۴ شهرداری تهران). *دو فصلنامه مدیریت شهری*، شماره ۳۱، صفحات ۱۷۴-۱۵۷.
۱۴. فتحی، سروش؛ (۱۳۹۳). عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت و توسعه فضاهای شهری تهران. *مطالعات جامعه شناختی شهری (مطالعات شهری)*، سال چهارم، شماره دهم، صفحات ۱۶۴-۱۴۳.
۱۵. کائوتری، هوئین و دیگران؛ (۱۳۷۹). مشارکت در توسعه. ترجمه: هادی غبرائی و داود طبائی، تهران، انتشارات روش.
۱۶. کریمی، سرگل؛ توکلی نیا، جمیله؛ (۱۳۸۸). جایگاه توسعه در مقیاس خرد و محله ای در توسعه پایدار شهری (نمونه موردی: محله اوین). *فصلنامه پژوهشی جغرافیای انسانی*، سال اول، شماره سوم، صفحات ۹۲-۸۱.
۱۷. کیومرثی، حسین؛ تقوایی، مسعود؛ (۱۳۹۰). سطح بندی محلات شهری بر اساس میزان بهره مندی از امکانات و خدمات شهری با بهره گیری از تکنیک TOPSIS. *مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری*، سال دوم، شماره پنجم، صفحات ۴۲-۲۳.
۱۸. مشکینی، ابوالفضل؛ حاصل طلب، محسن؛ یاپنگ غراوی، بای علی؛ علوی، سید علی؛ (۱۳۹۰). تعیین موقعیت بهینه فضا - مکانی پارکینگ های طبقاتی با رویکرد MCDM-GIS مطالعه موردی: منطقه ۶ شهرداری تهران. *فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط*، شماره ۱۳، صفحات ۲۰-۱.
۱۹. موسایی، میثم؛ شیبانی، ملیحه؛ (۱۳۸۹). مشارکت در امور شهری و الزامات آن در شهر تهران. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال دهم، شماره ۳۸، صفحات ۲۶۸-۲۴۵.
۲۰. مومنی، منصور؛ (۱۳۸۹). مباحث نوین تحقیق در عملیات. نشر مولف، چاپ پنجم.
۲۱. ناصر المعمار، کیانوش؛ سلیمی، سید سامان؛ (۱۳۹۲). بررسی ابعاد پایداری اجتماعی بر کیفیت زندگی در شهرکهای مسکونی نمونه موردی: شهرک امید. شهرک شهید بهشتی، همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان، شرکت سازه کویر.
۲۲. نوابخش، مهرداد؛ پور موسوی، سید موسی؛ تاجیک، زهره؛ (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی شاخص های توسعه پایدار اجتماعی کلانشهر تهران مطالعه موردی: منطقه ۶ و ۱۰. *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، سال سیزدهم، شماره ۲۹، صفحات ۱۹۴-۱۷۹.
۲۳. نوابخش، مهرداد؛ ارجمندسیاه پوش، اسحق؛ (۱۳۸۸). مبانی توسعه پایدار شهری، انتشارات جامعه شناسان.
۲۴. هاشمیان، مریم؛ بهروان، حسین؛ نوغانی، محسن؛ (۱۳۹۱). عوامل موثر بر میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مشهد. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال دهم، شماره یکم، صفحات ۱۹۵-۱۷۳.
25. Arnstein, S.R., (1969). A Ladder of Citizen Participation. *Boston: American Institute of Planners*, 216-224.
26. Rietbergen-McCracken, J., (1998). Participation and social assessment (Tools and techniques), *The world bank, Washington, U.S.A.*
27. Finger, A. Finger, M. (2002). Social factors enabling local peoples participation in integrated management planning in the context of forested mountain territories, *proceeding of the research course "the formulation of integrated management plans for mountain forests"* Bardonecchia, Italy.





28. Peris, J. & Calabuid, C. (2011). scrutinizing the link between participatory governance and urban environmental management, the experience in Arequipa during 2003-2006, *Habitat international*, 35(2), 84-92.
29. Reen, O. (2006). Participatory processes for Designing Environmental Policies, *Land Use Policy*, 23, 34-43.
30. Saunders, Peter. Brown, Judith. Eardely, Tony. (2003). Patterns of economic and social participation Among faces customers, *social policy research center*. No19, University of new South Wales.
31. Botchway, K. (2001). paradox of Empoverment: Reflection on a Case study from Northern Ghana, *World Development*, 29(1), 35.
32. Young-jou Lai, Ting-Yun Liu, Ching-Lai Hwang (1994), TOPSIS for MODM, *European Journal of operational research*, 176, 486 – 500